

چرا حضرت علی (ع) زنان را ناقص العقل می خواند؟

در بخشی از خطبه ۸۰ نهج البلاغه میخوانیم: «معاشر الناس، إن النساء ناقصُ الأيمان، ناقصُ الحُطُوطِ، ناقصُ العُقُولِ. فأما نقصانُ إيمانهنَّ فقَعُودُهُنَّ عن الصلاة والصيام في أيام حِيضهنَّ، وأما نقصانُ عَقُولهنَّ فشهادةُ أمْرأتين مِثْلُ شهادةِ الرَّجُلِ الواحدِ، وأما نقصانُ حُطُوطهنَّ فمَوارِيثُهُنَّ على الأَنْصافِ من مَوارِيثِ الرَّجَالِ

(پس از جنگ جمل و فرونشاندن شورش بصره در سال ۳۶ هجری ماه جمادی الثانی در مسجد شهر بصره فرمود):

ای مردم همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان، و بهره‌وری از اموال، و عقل متفاوتند، اما تفاوت ایمان بانوان، بر کنار بودن از نماز و روزه در ایام عادت حیض آنان است، و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است، و علت تفاوت در بهره‌وری از اموال آن که ارث بانوان نصف ارث مردان است.»^۱

استاد محمد دشتی در رفع تناقض ظاهری این خطبه با آیات قرآن و عقاید اسلامی، نقص را تفاوت معنا میکند. همانگونه که در قرآن کریم نیز این دو کلمه به جای هم به کار برده شده‌اند: «ماتری فی خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ. و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان نقص و کاستی نخواهی یافت.»^۲ امام میخواهد بفرماید که زن و مرد هر کدام روحیات و صفات مربوط به خود را دارند، و جایگاه هر کدام باید حفظ گردد. پس عایشه را که یک زن است، سوار بر شتر، فوماند خود قرار ندهید که شورش بصره را به پا کند.^۳

در زبان فارسی منظور از نقص، کمبود است ولی در زبان عربی اینگونه نیست اگر به لغت نامه‌ها مراجعه کنید، نقص را «خسران من الحض» معنا میکنند. یعنی کاهش در بهره‌برداری یا خلاصه‌تر به معنای کم بهره‌گیری است نه کمبود. در روایات آمده: «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ، نَقَصَ الْكَلَامُ» یعنی هر وقت عقل کامل شد، کلام کم میشود. منظور این نیست که هر کس عقلش کاملتر است، کمتر میتواند حرف بزند بلکه میخواهد بگوید هر کس عقلش کامل میشود، کمتر حرف میزند. و این با کمبود خیلی فرق میکند. شاید بگویید آخرش که یکی میشود! نه اتفاقاً.

مثلاً اگر اردوی ما هفتصد هزار تومان هزینه داشته باشد و بودجه مان پانصد هزار تومان باشد، ما فارسی زبانها میگوییم نقص و کمبود بودجه داریم. ولی در عربی برعکس است! یعنی اگر هفتصد هزار تومان بودجه داشته باشیم فقط پانصد هزار تومانش را خرج کنیم، اینجا عرب میگوید ناقص است! یعنی کمتر از بودجه بهره‌گرفته! ناقص العقل بودن یعنی نوع زنان کمبود عقل ندارند، بلکه از عقلی که خداوند بطور یکسان در اختیار زن و مرد قرار داده، کمتر استفاده میکنند! زیرا خداوند همراه نعمت عقل به زن و مرد، نعمت عواطف را هم عنایت کرده، ولی نوع زنان چون از عواطف سرشار برخوردارند و این هم به خاطر نقش تربیتی و محبتی است که به زن داده‌اند، باعث شده در تصمیم‌گیری‌ها و تعامل عقل و عاطفه، عموماً طرف عاطفه را گرفته و کمتر از عقل بهره‌گیرند.^۴

تکلمه: مقام معظم رهبری نیز تعبیر زیبایی در زمینه داشته و میفرماید: «خشک بودن و تحت تأثیر عواطف قرار نگرفتن، چیزی است که به طور معمول زن‌ها این را ندارند و این نقطه‌ی قوت زن است نه نقطه‌ی ضعف زن. این را توجه داشته باشیم. زن اگر عواطفش جوشان و احساساتش پرخروش نباشد، عیب است. کمال زن در غلبه‌ی عواطف اوست و این به دلیل این است که شغل اول زن تربیت فرزند است. یک مادر خوب بودن، از ریاست جمهوری هم بالاتر است اهمیت و ارزشش. برای این کار عاطفه لازم است. خدا این موجود را با این عواطف خروشان آفریده تا مادری لنگ نماند. اگر مادری لنگ بماند، نسل انسان منقطع می‌شود. یا انسان‌هایی که به جامعه وارد می‌شوند، انسان‌های کامل و درست و حسابی و معتدلی نخواهند بود.»^۵

۱ - نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی - صص ۹۸ و ۹۹

۲ - سوره ملک آیه ۳

۳ - نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی - ص ۹۹ - شرح محمد دشتی ذیل خطبه مذکور

۴ - کتاب دختران آفتاب - تألیف امیر حسین بانکی، بهزاد دانشگر، محمد رضا رضایتمند - نشر سروش - صص ۱۸۲ و ۱۸۳

۵ - سخنرانی مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۲۴ اسفند ۱۳۶۳